

«فرهیختگان» گزارش می دهد

رکورد وزنی صادرات زمان برجام شکست



مهدی عبداللهی
دیرگروه اقتصاد

روز گذشته وزیر خزانه داری آمریکا با اعتراف به هدف قرار دادن مردم ایران با تحریم های ظالمانه و غیرانسانی، مدعی شد که «ترامپ دستور داد فشار حداکثری علیه ایران اعمال کنیم و این اقدام کارساز شد؛ چراکه اقتصاد آن ها فروپاشیده است.» این اظهارات غیرانسانی در حالی مطرح می شود که داده های تجارت کشور نشان می دهد در ۹ ماهه نخست امسال حجم صادرات ایران به لحاظ وزنی به رکورد تاریخی دست یافته و به ۱۱۹ میلیون تن رسیده است. این عدد در حالی ثبت شده که از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۴۰۱ بالاترین مقدار صادرات طی ۹ ماهه حدود ۹۵ میلیون تن در سال ۱۳۹۵ بوده است. عدد مذکور در سال های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ بین ۴۵ تا ۵۰ میلیون تن بوده که رقم فعلی، ۲/۴ برابر آن اعداد است. بررسی ها نشان می دهد که تولید و صادرات طی دوره تحریم ها موفقیت های بزرگی داشته است. اما آنچه به عنوان یک ضعف بزرگ بوده و باعث شده این زحمات و تلاش ها، با چش های پی در پی نرخ ارز دیده نشود، بی توجهی به ایجاد ساختار پرداخت رسمی در تجارت و سپردن روند تسویه تجاری کشور به دست شرکت های ترانستی است. به عبارتی، آنچه تجارت ایران و اقتصاد ایران را آسیب پذیر کرده و باعث شده ارزش و اهمیت توان بالای کشور در صادرات غیرنفتی به خوبی دیده نشود، دور ماندن ایران از ساختار رسمی تسویه تجاری است، همچنین سیاست های ارزی کشور در این موضوع نقش پررنگی داشته و به آسیب پذیری کشور از این ناحیه منجر شده است.

■ **صادرات ۴۱ میلیارد دلاری که ۶۰ میلیارد می ارزد!**
بر اساس گزارش گمرک ایران، در ۹ ماهه سال ۱۴۰۴، میزان صادرات غیر نفتی در حدود ۱۱۹ میلیون تن و به ارزش ۴۱٫۲ میلیارد دلار بوده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، افزایشی حدود یک درصدی در وزن و کاهشی ۵/۸ درصدی در ارزش دلاری داشته است. بر اساس این داده ها، به رغم اینکه صادرات ایران طی ۹ ماهه امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته به لحاظ وزنی افزایش ۱٫۲ میلیون تنی داشته؛ اما ارزش آن کاهش ۵/۸ درصدی داشته است. این اتفاق یعنی کاهش ارزش آوری صادرات به رغم رشد وزنی، می تواند ناشی از نوسانات قیمت های جهانی و حتی افزایش تخفیف ها و همچنین کم اظهاری در صادرات رخ دهد.

بررسی داده های تجارت ایران نشان می دهد از ۹ ماهه سال ۱۳۸۹ تا ۹ ماهه ۱۴۰۴ ارزش هر تن اقلام صادراتی ایران از حدود ۴۲۶ دلار در سال ۱۳۸۹ و ۵۰۲ دلار در سال ۱۳۹۰ با سقوط چشمگیری به ۳۴۷ دلار رسیده است. به طور مشخص، طی مقطع مذکور یعنی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴ ارزش هر تن اقلام صادراتی ایران کاهش نزدیک به ۳۱ درصدی داشته است، درحالی که طی این مدت قیمت جهانی اقلام صنعتی افزایش قابل توجهی داشته و همچنین تورم جهانی سالانه بین دو تا سه درصد بوده است.

در ادامه درخصوص دلایل این کاهش ارزش بحث می شود؛ اما نکته قابل تأمل، اثرات این کاهش ارزش تناژ صادراتی کشور است. بررسی ها نشان می دهد حتی بدون در نظر گرفتن تورم جهانی که سالانه ۲ تا ۳ درصد بوده، اگر کالا های ایرانی در سال ۱۴۰۴ به قیمت سال ۱۳۹۰ هم صادر شود، به لحاظ ارزش وزنی نزدیک به ۱۱۹ میلیون تنی صادرات کشور و لحاظ کردن هر تن ۵۰۲ دلار، ارزش صادرات ۹ ماهه امسال به جای ۴۱ میلیارد دلار می توانست به ۶۰ میلیارد دلار افزایش یابد. این به معنی از دست رفتن ۱۹ میلیارد دلاری صادرات در ۹ ماهه امسال که البته همانطور که در ادامه بحث می شود، بخشی از آن در نتیجه کاهش قیمت های جهانی اقلام پایه همچون پتروشیمی، پایه نفتی و معدن پایه بوده و بخش دیگری مربوط به هزینه های دور زدن تحریم ها و تخفیف ها و حتی کم اظهاری در صادرات است.

■ **تخفیف ۳۰ درصدی قیمت های گمرکی در دوره تحریم**
یکی از مهم ترین دلایل کاهش ارزش تناژ صادراتی اقلام ایرانی، تعدیل

قیمت پایه ارزش صادراتی است. در اوایل مهر ماه سال ۱۳۹۸ زمانی که رسانه ها از دلیل عجیب کاهش ارزش صادرات ایران به رغم افزایش وزن صادرات طی نیمه نخست آن سال گزارش کردند، گمرک ایران در پاسخ به این ابهام، جوابیه ای صادر کرد و نوشت دلیل این موضوع، تعدیل پایه ارزش صادراتی کالا ها به میزان ۳۰ درصد بوده است. در جوابیه گمرک ایران آمده بود: «در پی درخواست صادرکنندگان در ارتباط با افزایش هزینه های صادرات به دلیل مشکلات تحریم و بحث تعهدات ارزی (بازگشت ارز صادراتی) گمرک ایران با استفاده از ظرفیت های قانونی و طبق تبصره ماده ۲۲ آیین نامه اجرایی قانون امور گمرکی، بر مبنای تصمیم کمیته مشترک گمرک و دستگاه های ذی ربط، میانگین پایه ارزش صادراتی را از سال گذشته تا امسال ۳۰ درصد تعدیل کرد که در صورت عدم اعمال این تصمیم، ارزش صادرات غیرنفتی در ۶ ماهه نخست سال جاری (سال ۱۳۹۸) از ۲۰ میلیارد و ۹۴۸ میلیون دلار به بیش از ۲۷ میلیارد دلار می رسید که نه تنها رشد صادرات و تراز مثبت را به دنبال داشت، بلکه تجارت خارجی در بخش صادرات را بیش از ۴ میلیارد دلار نسبت به مدت مشابه سال گذشته (۲۳ میلیارد و ۴۱۹ میلیون دلار) افزایش می داد.»

■ **نوسانات قیمت های جهانی**
پس از تحریم ها که به افزایش چشمگیر هزینه های تجارت ایران و کاهش ارزش آوری اقلام صادراتی کشور منجر شده، نوسان قیمت های جهانی به واسطه تحولات ژئوپلیتیکی (به ویژه جنگ روسیه – اوکراین و جنگ تجاری آمریکا) نیز در کاهش ارزش صادرات نقش دارد. ردپای این موضوع را می توان در ترکیب اقلام صادراتی کشور مان جست و جو کرد، جایی که بخش عمده صادرات ایران مربوط به اقلام نفت پایه، پتروشیمی و معدن پایه و به طور کلی اقلام وابسته به منابع طبیعی است. بر اساس داده های سازمان توسعه تجارت ایران، در سال ۱۴۰۳ از مجموع صادرات ایران حدود ۴۲ درصد از آن مربوط به صادرات صنعت پتروشیمی، ۲۰ درصد مربوط به صادرات صنایع معدنی، ۱۵/۵ درصد مربوط به بخش صنعت، ۹/۳ درصد مربوط به اقلام پایه نفتی، ۷/۸ درصد مربوط به بخش کشاورزی و در نهایت ۴ درصد مربوط به بخش معدن بوده است. این ترکیب نشان می دهد بیش از ۷۵ درصد از صادرات کشور مربوط به صنعت پتروشیمی، پایه نفتی و معدن و صنایع معدنی بوده است.

این موضوع نشان می دهد محدود شدن تولیدات ایران در بخش پتروشیمی، فلزات و کامودیتی ها و اقلام پایه نفتی در لایه های اول ارزش افزوده باعث شده صادرات ایران از نوسان قیمت های جهانی این اقلام آسیب بیشتری ببیند. به عبارتی، اگر ایران می توانست حلقه های بعدی و تکمیلی زنجیره ارزش در صنایع مختلف را توسعه دهد و به جای اقلام نسبتاً خام، اقلام با ارزش افزوده بالا و کالا های مصرفی به جهان صادر کند، علاوه بر اینکه میانگین تناژ و ارزش آوری کشور به طور قابل توجهی افزایش می یافت، صادرات کشور نیز کمتر از نوسانات قیمت های جهانی دچار آسیب می شد.

■ **ردپای کم اظهاری**
ضلع سوم کاهش ارزش آوری صادرات به رغم افزایش قابل توجه وزن صادرات ایران، مربوط به کم اظهاری است. به دلیل حذف ایران از ساختار های رسمی تجارت (نظام بانکی دنیا) کم اظهاری صادرات و بیش اظهاری در واردات ایران با افزایش شکاف نرخ ارز به طور قابل توجهی افزایش می یابد. در این خصوص در دی ماه سال ۱۴۰۳ پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی در گزارشی با عنوان «برآورد کم اظهاری صادرات در ایران» به ارزیابی تبعات سیاست های ارزی و تحریم های ظالمانه بر بازگشت ارز به کشور پرداخت. در آن گزارش آمده است که کم اظهاری صادرات به عنوان یکی از روش های فرار سرمایه در اقتصاد ایران محسوب می شود. فرار سرمایه یکی از معضلات جدی در اقتصاد ایران است که نیاز به توجه بیشتری دارد. کم اظهاری صادرات که می تواند به عنوان پولشویی و فرار مالیاتی نیز تلقی شود، یکی از روش های فرار سرمایه است و این موضوع نیازمند سیاست گذاری جدی و دقیق است.

برای برآورد کم اظهاری صادرات، تفاوت قیمت ضمنی ارزش دلاری به وزن کد تعرفه های مختلف در دو پایگاه داده سازمان ملل و گمرک ایران

■ **وزن اقلام صادراتی ایران در ۹ ماهه سال های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۴ (هزار تن)**

■ **ارزش اقلام صادراتی ایران در ۹ ماهه سال های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۴ (میلیون دلار)**

■ **ارزش هر تن اقلام صادراتی ایران در ۹ ماهه سال های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۴ (دلار)**

ملاک قرار می گیرد. در شش ماهه نخست ۱۳۹۷، فرض بر این است که کم اظهاری وجود نداشته است و میانگین وزنی اختلاف بین قیمت های اظهار شده توسط شرکای تجاری ایران و صادرکنندگان ایرانی حدود ۱۰ درصد بوده است. نرخ کم اظهاری در نیمه دوم سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به ترتیب ۷/۴ درصد و ۶/۶ درصد برآورد شده است. در سال های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، میانگین کم اظهاری بین ۵/۷ درصد تا ۸ درصد بوده و در سال ۱۴۰۱ به ۱۲/۱ درصد رسیده است. طبق محاسبات پژوهشکده پولی و بانکی، رقم کم اظهاری صادرات از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ حدود ۱۴/۵ میلیارد دلار برآورد شده است.

طبق این گزارش، مهم ترین عامل مؤثر در کم اظهاری صادرات،

اختلاف نرخ ارز سامانه نیما و نرخ ارز بازار آزاد است. در دوره هایی که این اختلاف به حداقل رسیده، نرخ کم اظهاری به صفر رسیده و در دوره هایی که این اختلاف بیشتر شده، نرخ کم اظهاری نیز افزایش یافته است. طبق پیشنهاد پژوهشکده زیرمجموعه بانک مرکزی، برای مقابله با کم اظهاری صادرات، بهره گیری از حکمرانی داده محور، استفاده از سامانه جی اف ترید، رویکرد پرچم های قرمز، همکاری بین دستگاه ها و استفاده از سامانه جامع تجارت و فاکتور های الکترونیک ضروری است. همچنین، یکسان سازی نرخ ارز و کاهش اختلافات بین نرخ های مختلف می تواند به کنترل کم اظهاری صادرات کمک کند و به بهبود شرایط اقتصادی کشور منجر شود.

مدیر مسئول:

محمد امین ایمانجانی

قائم مقام مدیرمسئول:

مسعود فروغی

سر دبیر:

محمد ذمعی زاده

تلفن و فکس:

۰۲۱)۶۲۹۹۹۴۹۵

کد پستی:

۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶

چاپ:

چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی:

خیابان حافظ، پلین تر از جمهوری

رویموی ساختمان بورس

ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

بازار ارز در مسیر ثبات



امیرحسین زارفی
یوئشگروه اقتصاد

ارز در اقتصاد ایران فرانر از یک ابزار مبادلاتی، شاخصی تعیین کننده در جهت دهی به انتظارات تورمی و هزینه های تولید است که نوسانات آن می تواند به خروج سرمایه و رکود بخش واقعی منجر شود. با این حال، ورود راهبردی شورای عالی هماهنگی اقتصادی دولت، از طریق تغییر پارادایم از مداخلات دستوری به سمت «مدیریت هوشمند عرضه و تقاضا»، ورق را به نفع ثبات پولی برگردانده است. این شورا با اتخاذ تدابیری نظیر انضباط بخشی به ترانزنامه بانک ها و تسهیل بازگشت ارز صادراتی، ریسک سیستماتیک بازار را مهار کرد. نتیجه این رویکرد چندبعدی، علاوه بر فروکش کردن تب قیمتی در بازار های غیر رسمی، ترمیم اعتماد عمومی و کاهش نرخ تنزیم ذهنی فعالان اقتصادی بوده که در نهایت، بستر را برای بازگشت نرخ ارز به سطوح تعادلی فراهم آورد.

■ **تشریح اقدامات و مکانیسم های اجرایی**
ثبات کنونی بازار ارز بیش از آنکه حاصل مداخله فیزیکی باشد، نتیجه بازطراحی ساختار انگیزشی و اصلاح فرایندهای تخصیص توسط شورای عالی هماهنگی اقتصادی است. سیاست کلیدی «تسهیل واگرایی زدایی» میان نرخ های ارزی از طریق اصلاح ابلاغیه های رفع تعهد و تنوع بخشی به روش های بازگشت ارز (مانند واردات در مقابل صادرات)، به تسریع گردش نقدینگی و تقویت عرضه در مرکز

مبادله منجر شد.

هم زمان، تفویض اختیارات ویژه به بانک مرکزی برای مدیریت عملیات بازار باز و جایگزینی نظارت برخط بر تراکنش های کلان به جای ورود های انتظامی، سرعت گردش پول در بازار های غیر رسمی را کاهش داد و تقاضای احتیاطی را متبضض کرد. هم افزایی میان انضباط بخشی به ترانزنامه بانک ها و انسداد منافذ رانتی، کارایی تخصیص منابع را ارتقا داد و با ایجاد کانال انتقال پولی شفاف، سیگنال ثبات را به عمق بازار مخابره کرد. این رویکرد ساختاری، بستر لازم برای بازگشت نرخ به سطوح تعادلی و ارتقای وزن تحلیلی سیاست های پولی را فراهم آورده است.

■ **دستاوردها**

انعکاس عملیاتی تصمیمات شورای عالی هماهنگی اقتصادی، در تغییرات معنادار شاخص های عملکردی بازار ارزی و پولی نمود یافته است. نخستین دستاورد مشهود، کاهش نوسانات غیر متعارف و بازگشت به کانال های قیمتی بنیادین بود؛ به طوری که نرخ ارز در بازار غیر رسمی با عقب نشینی بیش از ۱۵ درصدی نسبت به اوج قیمتی ماه گذشته، از سطوح مقاومتی عبور کرده و به ثبات نسبی رسیده است. این روند نزولی، با افزایش ۳۰ درصدی حجم معاملات در سامانه نیما همراه شد که مبین بهبود نرخ عبور ارزی و تقویت سمت عرضه است. دستاورد دوم، تسکین شکاف قیمتی میان نرخ های رسمی و غیر رسمی و به زیر ۱۰ درصد است؛ شاخصی کلیدی که از کاهش رانت جویی و بازگشت انگیزه به صادرکنندگان برای عرضه ارز حکایت دارد. همچنین تراز عملیاتی ارزی در سه ماهه اخیر نشان دهنده مازاد عرضه بر تقاضا

در تالار اول و دوم مرکز مبادله است. در حوزه سیاست های پولی نیز اقدامات انضباطی شورا منجر به کاهش نرخ رشد نقدینگی به محدوده ۲۵ درصد شد که لنگر محکمی برای کنترل تورم میان مدت محسوب می شود. این اتفاقات، گویای ترمیم اعتبار سیاست گذار و بازگشت آرامش به اتمسفر کسب وکار است که بستر را برای پیش بینی پذیری اقتصاد کلان فراهم ساخته است.

■ **مکانیسم اثر**

اثر بخشی اقدامات شورای عالی اقتصادی بر بازار ارز را می توان از منظر مکانیسم انتقال پولی و تغییر در ساختار ترجیحات نقدینگی تحلیل کرد. شورا با اتخاذ سیاست تثبیت فعال، موفق شد نرخ بازدهی کانال اعتبارسنجی سیاست گذار، به کاهش ۳۰ درصدی پارازیت های قیمتی در معاملات درایی منجر شد. در واقع، شورا با مدیریت نرخ ذخیره قانونی و انضباط بخشی به اضافه برداشت بانک ها، پایه پولی را از فشار تقاضای ارزی مصون داشت و تعادلی جدید در نقطه تلاقی عرضه و تقاضای بنیادین ایجاد کرد.